

درآمدی بر صنعت بافندگی یزد در عصر صفوی

بخش دوم

علی اکبر تشکری بافقی / استادیار گروه تاریخ دانشگاه یزد

غیاث الدین یزدی؛ برجسته‌ترین طراح پارچه

۱-۶- گذاری بر حیات غیاث الدین

در ولایتی که به یکی از معتبرترین مراکز نساجی ایران شهرت داشت، گرچه وجود چهره‌های برجسته در این حرفه امری چندان دور از ذهن نمی‌نمود، مشهورترین آنها خواجه غیاث‌الدین معروف به «غیاث‌الدین زرباف» بود.

با آنکه در آثاری چون تذکره نصرآبادی و آتشکده آذر شرح مختصری از زندگانی وی آمده است، مشروح‌ترین ترجمه احوال او را می‌توان در جامع مفیدی یافت.

مطابق با اطلاعات مستوفی بافقی، غیاث الدین از نوادگان مولانا کمال خطاط بود که ذوق هنری را از اجدادش به ارث برده بود.

وی با پرورش در محیط نساجی یزد، به چنان مقامی در طراحی پارچه رسید که علاوه بر ثروت، توانست به سطح یکی از افراد برجسته در دستگاه شاه عباس اول ارتقا یابد.

در واقع، با آنکه غیاث الدین در میان نساجان یزدی اعتباری خاص داشت، یکی از عوامل برجستگی او را می‌توان به حمایت شاه عباس از صنایع بافندگی و بالطبع، کشف استعدادهای نهفته در ولایات دانست. بر این اساس، زمینه‌ای فراهم آمد تا وی نیز همراه با ده‌ها بافنده زبردست، راهی اصفهان گردد.

ورود غیاث الدین به دربار و کسب شهرت در بافت منسوجات مصور او را به درجه‌ای از اعتبار رساند که علاوه بر کمان‌گیری و شاعری دیوان غیاث‌الدین و نیز نمونه‌هایی از اشعار او در تذکره‌ها عنوان «پیشوای هنرمندان و مقدم شعرافان» یافت. غیاث الدین پس از مدت‌ها زندگی در اصفهان و سرپرستی کارخانه سلطنتی، به یزد بازگشت و با ساخت منزلی عالی در محله دارالشفای صاحبی تا پایان عمر که گویا با توبه از سرخوشی ایام جوانی نیز همراه بود؛ به‌سر برد.

گرچه از مقام و موقعیت برتر وی در یزد چنین برمی‌آید که از زندگی مرفهی برخوردار بوده باشد، توصیفش از زادبوم، چندان نیز متناسب با انتظار نیست؛ چنان که در وصف محیط پیرامون خود می‌گوید:

بیچاره کسی که یزدش وطن است

بیچاره‌تر آن که نقش‌بندیش فن است

زین هر دو بتر کسی که اهل سخن است

ناچار کسی که هر سه دارد چو من است

به رغم ایام جوانی که غیاث الدین به باده‌گساری شهرت داشت، در اواخر عمر به زهد و سرودن اشعاری با مضامینی صوفیانه روی آورد. خواجه، همچنین در ایام عمر، دو بار ازدواج کرد که حاصل آن، شش پسر به نام‌های اکمل، افضل، رفیع، معزالدین، اصغر و ابوالفضایل بود. با این همه، فقط از معزالدین تحت عنوان معز و ابن غیاث بر روی

چند پارچه، نامی باقی مانده و گویا سایرین سنت پدر را ادامه نداده‌اند.

۲-۶- جایگاه و آثار غیاث الدین در طراحی پارچه

هرچند تا اواخر قرن دهم قمری طرح‌های پارچه دچار تکرار و تقلید از نقوش پیشین شده بود، توأم با ثبات سیاسی، رونق اقتصادی و حمایت ویژه شاه عباس از صنایع نساجی، شرایطی فراهم آمد تا از سویی کارگاه‌های بافندگی رونق گیرند و از دیگر سو، با شناسایی و تشویق طراحان نوآور، زمینه مستعدی در آفرینش طرح‌های بدیع فراهم آید.

بر این اساس، در یزد نیز شاهد ظهور و درخشش غیاث الدین یزدی هستیم که با عزیمت به اصفهان و ریاست بر کارگاه‌های سلطنتی به برجسته‌ترین طراح پارچه در تاریخ نساجی ایران شهرت یافت.

اساساً در عصر صفوی، دو ابتکار فنی در طراحی و بافت پارچه رخ نمود که غیاث الدین پرچمدار و برجسته‌ترین استاد هر دوی آنها بود: نخست پارچه چندتایی و دیگری مخمل.

ابتکار غیاث الدین در بافت پارچه بدان حد بود که با آمیزش سه پارچه به رنگ‌های سبز و سرخ و سفید، قاب‌هایی ایجاد کرد که نه تنها گل‌های ظریف و پرندگان و جانوران طبیعی، بلکه حتی نقش یک جوان درباری در حال استراحت را دربرداشت. همچنین، مهارت او در طراحی و بافت پارچه‌های

* تافته

* چوپونچه

* انواع پارچه قلمکار نظیر باغی، گل و گلدان،

کتیبه‌دار، محرابی، خانه‌خانه، سرو و بته جقه

* شال کمر: از پنبه

* پارچه‌های غلکی: از پشم

۸- نتیجه گیری

یزد که در سایه امنیت و ثبات نسبی و موقعیت مواصلاتی، قدمت منسوجاتش به دوران اولیه اسلامی می‌رسید، همزمان با هجوم مغول و عصر ایلخانان با جذب صنعتگران دیگر مناطق، به یکی از کانون‌های نساجی ایران بدل شد.

بر این اساس، با تأسیس سلسله صفوی که با رشد تجاری و حمایت سلاطین از صنایع بافندگی همراه بود، کارگاه‌های نساجی یزد نیز با تولید پارچه‌های زربفت و مخمل، به شهرتی جهانی دست یافتند.

در واقع، فعالیت تجار در تهیه ابریشم خام از استرآباد و خراسان، نظارت دولتی بر کارگاه‌های نساجی و مشتریان بسیار در ایران و دیگر کشورها را می‌توان از جمله مهم‌ترین عوامل گرایش اهالی به نساجی و حتی هدایت بخشی از کشاورزی به تولید مواد خام مورد نیاز آن دانست.

گسترش همیاری نقاشان و نساجان در عصر صفوی، در یزد به خلق شاهکارهایی درخور توجه منجر گردید، اما الگوپذیری طراحان یزدی از تبریز، توأم با شیوع ناامنی و بالطبع رکود نساجی در این منطقه باعث شد تا اواخر قرن دهم قمری طرح‌های یزد نیز با استثنائاتی، تکراری شود. این امر که نمای

از شرایط حاکم بر دیگر مناطق نساجی نیز بود، با برقراری ثبات سیاسی تجاری و حمایت ویژه شاه عباس، به ابداعاتی شگرف در زمینه طرح و سبک پارچه بافی منجر گردید؛ چنان‌که تأثیر رخداد یادشده را در یزد می‌توان در ظهور برجسته‌ترین طراح تاریخ نساجی ایران، یعنی غیاث الدین یزدی شاهد بود. بر این اساس چه در نوآوری طرح و چه از حیث ابتکارات فنی در پارچه بافی، الگویی را فراهم آورد که نساجان یزدی با پیروی از آن، باعث تمایز منسوجات شهر خود از دیگر مراکز بافندگی ایران شدند.

خاصی برخوردار بودند، زری‌های بافت یزد اغلب طرح محرابی داشتند. همچنین در کارگاه‌های یزد، بافندگان، انواع زری‌های مرغوب چون اطلسی، دارایی، حصیری و لبه را با نخ‌هایی از طلا و نقره می‌باftند که در کشورهای اروپایی نیز مشتریان خاص خود را داشت.

۷-۲- مخمل

در میان انواع منسوجات عصر صفوی، عجیب‌ترین محصول کارگاه‌های پارچه بافی را مخمل تشکیل می‌داد. هرچند مهم‌ترین مراکز مخمل بافی ایران در حوزه کویر مرکزی جای داشتند، مهارت برجسته مخمل بافان یزدی در تغییر شکل طرح‌ها که عمده گیاهان تخیلی را دربرمی‌گرفت، آنها را به بافت مخمل‌هایی با کیفیت منحصر به فرد شهرت بخشید. همچنین، نقوش پیچک‌های نیمه طبیعی و نیمه تخیلی در اندازه‌های بزرگ بر روی تعدادی از پارچه‌های مخمل، نمادی از خلاقیت و وجه تمایز سبک یزد بود.

به هر حال، از میان آثار به جای مانده، دو نمونه از مخمل بافت‌های یزد نمادی از مهارت نساجان ایران عصر صفوی به‌شمار می‌روند؛ مخملی که بافت اختصاصی یزد بود و به رنگ عنابی سیر برای جانماز در خانه‌ها استفاده می‌شد و قطعه‌ای که با بادن‌های نخلی و شاخه نباتات گلدار تزیین شده و یکی از دو پارچه‌ای بود که سفير شاه عباس در سال ۱۶۰۰ میلادی برای دوک شهر ونیز هدیه فرستاد

گذشته از پارچه زربفت و مخمل که طراحان و نساجان یزدی در تولید آنها شهرتی جهانی داشتند، تنوع محصولات کارگاه‌های بافندگی یزد را می‌توان در نمونه‌های دیگری شاهد بود.

* ترمه: پارچه‌ای که زرتشتیان یزد گویا در بدو ورود از کشمیر به ایران رواج دادند

* شرفه: متأثر از سبک غیاث الدین یزدی

* اطلسی: با تصاویر صورت انسان

* دارایی: که از ابریشم خالص بود

* دیباج: که گاهی در بافت آن از نخ‌های زرین استفاده می‌شد.

* بنت: پارچه‌ای با بافت دولا و موضوعات گیاهی

مخملی بدان حد بود که مهم‌ترین مخمل‌های این دوران با تصاویری از انسان، متعلق به اوست. علاوه بر این، در دورانی که تنوع طرح، سرآغاز سبک‌هایی نوین بود، غیاث الدین میدعی یکی از دو مکتب هنری به‌شمار می‌رفت که غالباً از طرح‌ها و نقوش کوچک استفاده می‌کرد.

از سوی دیگر، هرچند بر مبنای آثار به جای مانده، محافظه کاری غیاث الدین به سبک تبریز- یزد فوق العاده چشمگیر به نظر می‌رسید، این موضوع به معنای تنزل وی در سطح مقلدی صرف، به شمار نمی‌رفت. پیشتازی وی در ابتکارات مطلق و انسجام عناصر متشکله یک طرح خاص، به حدی بود که استحکام سبک وی را زیانزد می‌ساخت. همچنین، با وجود آنکه غیاث الدین را نمی‌توان چون بهزاد به‌رغم قابلیت قیاس در تنوع طرح پایه‌گذار سبکی خاص دانست، ابداعات او باعث شد تا بافندگان یزدی در بافت پارچه‌هایی تخصص یابند که طرح اصلی آنها را گیاهانی پر از گل با هلالی شبیه به طاق محراب بر گرد آن تشکیل می‌داد

در مجموع، طرح‌های غیاث‌الدین که عمده شهرتش به ترسیم تصاویری از حیوانات و موضوعات تزیینی بود، نه تنها در دربار شاهان صفوی، بلکه در پایتخت‌های کشورهای هند، عثمانی و مغرب‌زمین نیز مشتریان بسیاری یافت و بافت طرح‌های او به دست نساجان یزدی، در هندوستان موجب نامداری یزد در دیگر ممالک گردید.

۷- برخی از مهم‌ترین بافته‌های یزد

۷-۱- زربفت

زری بافی که در دوره ایلخانان رونق خاصی داشت، در عهد تیموری به یکی از کارهای نفیس صنایع نساجی ایران ارتقا یافت و نهایتاً به واسطه حمایت شاه عباس، در عصر صفوی به اوج اعتبار خود رسید.

در این دوران، زری بافان در بافت انواع پارچه‌های زربفت در کارگاه‌های یزد، کاشان، اصفهان و تبریز به خلق چنان آثاری پرداختند که در تاریخ نساجی ایران بی نظیر بود.

در میان مراکز یادشده که هر کدام از ویژگی‌های